

# همیشه‌ی فرهنگ‌سهر



**عبدالعلی دستغیب**، **جمال میرصادقی**، **م. موید** و **عباس مخبر** از **ابراهیم گلستان** و **آثارش** به **همشهری** می‌گویند

# بدرود آقای گلستان

داستان‌نویسی مدرن برد. ابراهیم گلستان، مسن‌ترین نویسنده ایرانی، چهارشنبه (روز گذشته) ۱۰۱سالگی از دنیا رفت. بسیاری از نویسندگان ایرانی او را سعدی زمانه می‌دانستند و عبدالعلی دستغیب، منتقد ادبی و مترجم فلسفه که تا امروز بیش از ۵۰عنوان‌کتاب ترجمه و تألیف کرده، او، هوشنگ گلشیری و بهرام صادقی را تنها داستان‌نویسان نسل اول و دوم به جای می‌آورد

<b>گزارش</b>	<b>فرشاد شیرزادی</b>
<span><span>روزنامه‌نگار</span></span>	

ابراهیم گلستان پس از صادق هدایت و محمدعلی جمال‌زاده، جزو نخستین نویسندگانی بود که داستان کوتاه و رمان ایرانی را به سمت ساختار و صناعت

**عبدالعلی دستغیب**:

**ماندگاری نام گلستان در داستان‌نویسی ایران**



عبدالعلی دستغیب، منتقد ادبیات

و مترجم فلسفه درباره داستان‌های ابراهیم گلستان و شخصیت او می‌گوید: «گلستان خیلی زود دریافت که اوضاع در ایران چندچند است و به لحاظ سیاسی هوش تندی داشت و سریع در دهه ۴۰ حساب‌خودش را از دیگر داستان‌نویسان و روشنفکران جدا کرد و راه خودش را رفت. او ابتدا با جلال آل‌احمد دوستی داشت و در یک مسیر سیاسی قدم برمی‌داشتند، اما خیلی زود به‌دلیل نئوغ و هوش تدش دریافت که آن راهی که دیگران می‌روند به کجا ختم می‌شود؛ به همین دلیل راهش را از همه‌هم‌سلاشش جدا کرد. او سرمایه‌اولی‌اش را با ساخت فیلم‌هایی برای شرکت نفت ایران به دست آورد و الحق و الانصاف که در عرصه فیلمسازی کارهای ماندگاری از خود به جای گذاشت. همواره زندگی لوکس و مدنظرش بود و به این آرزویش هم دست یافت و توانست در خارج از ایران در خانه‌ای زندگی کند که البته بیشتر به کاخ شباهت داشت تا خانه!» دستغیب درباره داستان‌نویسی گلستان می‌افزاید: «گلستان در کنار بهرام صادقی و هوشنگ گلشیری، در تاریخ یکصد ساله داستان‌نویسی ایران ماندگار می‌شود. او نویسنده‌ای بود که نثر

**م. مؤید**:

**گلستان؛ شاعر داستان‌سرا**



م. مؤید، شاعر پیشکسوت نیز درباره گلستان و آثارش می‌گوید: «درباره نثر ابراهیم گلستان واقعا نمی‌توان گفت که نثر بود. نثر گلستان به تعبیری شعر بود. او علاقه ویژه‌ای به زبان فارسی داشت. ابراهیم گلستان یکی از معلمان من به‌شمار می‌رفت و می‌رود. در عرصه شعر و شاعری واقعا از داستان‌ها و نثر او آموختم‌ام و همچنان هم می‌آموزم. در

یک کلام من از گلستان زبان فارسی را آموختم‌ام. اگر نگویم در حد بیهقی و تاریخ‌سیستان، اما از لابه‌لای آثارش یاد گرفته‌ام و پس از چنان‌کتاب‌های مهمی، برایم مرجع بوده است. به دوستی‌ام و جوانان توصیه می‌کنم که اگر می‌خواهند پاسدار زبان فارسی باشند، یکی از مهم‌ترین منابعشان را آثار ابراهیم گلستان در نظر بگیرند. آنان که اهل شعرند، می‌توانند نثر گلستان را مانند شعر ببینند و دریابند. این سخنان خلاصه و چکیده وضعیت من در برابر ابراهیم گلستان و آثار و نثرش است. خدا آن او را بیامرزد.»

وی در پاسخ به این پرسش که یکی از داستان‌نویسان او را با سعدی مقایسه می‌کند و می‌گوید «گلستان، سعدی زمانه است»، حال نظر شما درباره این سخن چیست؟ می‌گوید: «این سخن به هیچ‌وجه گزافه نیست و درباره ابراهیم گلستان و آثار و نثرش کاملا صدق می‌کند. چرا باید این سخن گزافه باشد؟

که در تاریخ یکصدساله داستان‌نویسی ایران نمره قابل قبولی می‌گیرند. دستغیب معتقد است که دیگر نویسندگان این نسل، تحریک‌کننده سیاسی بوده‌اند و اغلب داستان‌های آنها شعارزده و سیاسی است و به همین دلیل در تاریخ داستان‌نویسی ایران ماندگار نخواهند بود. در گزارش پیش‌رو، نظر عبدالعلی دستغیب را که بسیاری از اهل ادبیات او را قبول دارند و برایش

ادبی و اداری قاجار را با زمانه خودش جدا کرد و خط فارقی بین این دو کشید؛ به همین دلیل و به سبب توجه به زبان فارسی از همگنان خود فاصله گرفت و درخشید؛ این در حالی است که بسیاری از نویسندگان ایرانی تحریک‌کننده سیاسی بوده‌اند و داستان‌های آنها با وجود اینکه ۳ تا ۱۰جلد را بالغ می‌شود، جز شعار توخالی محتوای دیگری ندارد. در واقع داستان، زاده زندگی شهرنشینی است و گلستان این مهم را به‌خوبی می‌دانست؛ درحالی‌که عزیمت‌گاه ذهن بسیاری از نویسندگان ایرانی هنوز روستاهاست و آنها ذات زندگی شهری را درنیافته‌اند. با این‌نگاه حتی نویسنده‌های مانند احمد محمود هم در تاریخ یکصدساله داستان‌نویسی ایران نمره قبولی نمی‌گیرد. داستان‌های محمود، برخلاف دولت‌آبادی، گرچه در شهر می‌گذرد، اما عمق نگاه ندارد و برخلاف ابراهیم گلستان ذهنی شعارزده دارد؛ مثلاً در یکی از رمان‌های مطول ایرانی «ستار پینه‌دوز» به‌عنوان یک شبه‌قهرمان ظاهر می‌شود؛ درحالی‌که آکلاس هم سواد ندارد. این در واقع فقر داستان‌نویسی در عصر گلستان و حتی پس از او را به ما نشان می‌دهد. پس قبول کنیم که نوع نگاه و کار گلستان با همه‌معصران و حتی نویسندگان پس از خودش متفاوت است. برای مجموع این دلایل است که او را به‌عنوان نویسنده‌ای خاص به جای می‌آوریم و تا سال‌ها پس از ما هم خواهند گفت که داستان‌هایش درخشان است.»

**عباس مخبر**:

**در سینما و ادبیات شاخص بود**



عباس مخبر، مترجم و اسطوره‌شناس نیز درباره ابراهیم گلستان چنین اظهارنظر می‌کند: «هر زمان که ابراهیم گلستان سخنی با رسانه‌ها در میان می‌گذاشت، عده‌ای به او ناسزا می‌گفتند و عده‌ای هم او را تشویق می‌کردند. شخصاً از نثر گلستان خوشم می‌آمد و می‌آید. به‌نظم نثر زیبایی دارد. نثر او شاعرانه و شسته و رفته بود. به هر حال عمری است که ما با نثر سسر و کار داریم و در این وادی متوجه ریزه‌کاری‌ها می‌شویم. نثر او درخشان و موجز بود و در عین حال نه اضافه‌داشت و نه کم. در واقع نثر درخشان مشخصاتی دارد که بدین شکل تعریف می‌شود. به هر حال در فیلمسازی هم بی‌شک با کارهایی که انجام داده، کارگردانی پیشگام به شمار می‌رود. با اندکی لیخن‌د باید بگویم که نمی‌دانم چرا به هر که من از او خوشم می‌آمد، ناسزا می‌گفت؛ مثلاً با شاملو و یاندری میانه خوبی نداشت؛ یعنی همه کسانی را که در نسل ما آدم‌های مطرحی بودند و ما آثارشان را دوست می‌داشتیم، نمی‌پذیرفت. گاه به نوعی سخن می‌گفت که گویی پیش از او نه سینمایی وجود داشته و نه ادبیات و پس از او هم آدم در خوری وارد گود نشده است.» مخبر ادامه می‌دهد: «تکبری که در گلستان وجود داشت چیزی بود که من نمی‌پسندیدم، اما هم نویسنده قدرآولی بود و هم به شواهد نظر کسانی که در کار سینما هستند، در این عرصه هم کارهایش آونگار بود. اما من معمولاً به‌جنگال‌هایی که ایجاد می‌کرد، اعتنایی نمی‌کردم. به هر حال در ایران هم هستند کسانی که کار می‌کنند و بد نیست که آدمی از آنها هم تعریف کند. به هر حال به‌رغم همه کوتاهی‌های شخصی‌اش، ما باید شخصیت او را در داستان‌نویسی ایران به جای آوریم. جایگاه گلستان را به هیچ‌وجه نمی‌توان در این عرصه انکار کرد. می‌توان سخنانش را تکان‌گر در یادشینیده گرفت، اما در کارش به هیچ‌عنوان نمی‌توان او را نادیده گرفت؛ ضمن اینکه در دنیای زندگی می‌کنیم که شخصیت‌ها پیچیده‌اند و آدم‌ها هزار گرفتاری دارند و ما از آنها اطلاعی نداریم، اما مسلمان‌م و نثر گلستان در تاریخ ادبیات ما ماندگار است.»

**جمال میرصادقی**:

**آهنگ کلام برایش اهمیت داشت**



جمال میرصادقی، داستان‌نویس و منتقد ادبی درباره استان و نثر گلستان می‌گوید: «ابراهیم گلستان در عرصه داستان‌نویسی کار خودش را کرد. شنیدن خبر فوتش به هر حال و از هر زاویه که به آن نگریم، برای من و دیگر داستان‌نویسان ایرانی بسیار ناراحت‌کننده است. داستان‌های ابراهیم گلستان خاص و منحصر‌به‌فردند که بیش از هر چیز به موسیقی کلام توجه داشت.»

میرصادقی در ادامه توضیح می‌دهد: «من کتابی به نام «فویسندگان معاصر» دارم که به نویسندگان نسل اول، دوم و سوم پرداخته‌ام. آنجا به نثر و تکنیک ابراهیم گلستان به‌طور دقیق اشاره کرده‌ام و چندین صفحه قلم زده‌ام. خواندن این کتاب را به مخاطبان کارهای گلستان توصیه می‌کنم. نظر من همچنان همان است که آنجا نوشته‌ام؛ به هر حال جای گلستان در جنت باد.»

**دریچه**



**آغاز فعالیت**

**«شبکه‌کتاب»**

مراسم آغاز به‌کار رسمی «شبکه‌کتاب» در تلویویون برگزار شد. به‌گزارش همشهری، مراسم آغاز به‌کار رسمی شبکه‌کتاب در تلویویون با حضور یاسر احمدوند، معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، غلامرضا نوری، معاون فضای مجازی صدا و سیما و علی‌رمضانی، مدیرعامل مؤسسه خانه کتاب و ادبیات ایران در ساختمان معاونت فضای مجازی صدا و سیما برگزار شد.

مراسم آغاز به‌کار رسمی «شبکه‌کتاب» در تلویویون همشهری، مراسم آغاز به‌کار رسمی شبکه‌کتاب در تلویویون با حضور یاسر احمدوند، معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، غلامرضا نوری، معاون فضای مجازی صدا و سیما و علی‌رمضانی، مدیرعامل مؤسسه خانه کتاب و ادبیات ایران در ساختمان معاونت فضای مجازی صدا و سیما برگزار شد.



**«چامه»**

**به شماره ۳ رسید**

سی‌امین شماره مجله ادبی «چامه»، ویژه زندگی و آثار قطب‌الدین صادقی، پژوهشگر، شاعر و نمایشنامه‌نویس منتشر شد. این شماره ویژه زندگی و آثار قطب‌الدین صادقی، نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر است که شاعران و نویسندگان امروز ایران و جهان به‌تازگی در ۶۴صفحه منتشر شده است. ۲ ماهنامه ادبی چامه به مدیریت و سردبیری صادق رحمانی منتشر می‌شود.

**نگاه**

مروری بر کارنامه سینمایی ابراهیم گلستان

## سرمشقی کامل از گلستان برای گلستان



تصویری از فیلم خشت و آینه

کارنامه سینمایی ابراهیم گلستان ۲بخش مشخص دارد؛ مستند و داستانی. گلستان به‌عنوان یک مستندساز فیلم‌هایی در گرایش سینمای مستند صنعتی ساخت. مجموعه‌ای با عنوان چشم‌اندازها که شامل ۳فیلم می‌شود. «موج و مرجان و خارا»، «بیک آتش» و «آب و گرما» نام این ۳فیلم است که بین سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۱ ساخته شده‌اند. فیلم‌ها از لحاظ روایت سینمایی و افقی که بر عملیات انسانی و به‌کارگیری ابزار برای اهدافی صنعتی می‌گشایند، در تاریخ سینمای ایران قابل تأکیدند. کادر دوربین، قاب‌بندی و تأکید روی کار و تلاش عوامل انسانی و همراهی یک حاشیه‌صوتی غنسی از گفتار و افکت و موسیقی، این ۳فیلم را به نمونه‌های قابل‌اعتنایی از سینمای مستند صنعتی فارسی تبدیل کرده‌است. آنچه کار گلستان و همکاری‌اش را از نمونه‌های مشابه ممتاز می‌کند، هاشورها و برش‌هایی است که در میان گزارش صنعتی، نقیبی به درون اجتماع و نکتته‌های از احوال زمان می‌زند و بیان می‌کند.

ابراهیم گلستان این فیلم‌ها را همراه با یک گروه فنی تقریباً مشترک که همکاری‌اش در استودیو گلستان‌فیلم در محله دروس تهران بودند، ساخته است؛ آثاری که به سفارش شرکت نفت ساخته شده‌اند، اما هرگز چسب سفارشی به آنها نچسبیده و ارزش هنری آنها بیش از اهداف سفارش‌دهنده در تاریخ سینمای مستند ایران باقی ماند.

در کنار مستندهای نفتی، گلستان ۲فیلم مستند درباره میراث فرهنگی ایران ساخته که اگر چه به اندازه سه‌گانه نفتی‌اش خیره‌کننده نیستند، اما به‌عنوان نمونه‌هایی از تلاش برای تألیف نوعی گزارش تصویری از یک جست‌وجوی باستان‌شناسی و ثبت دقایق گنجینه‌ای از جواهرات سلطنتی نمونه‌های نزدیک به ذهن برای کاوشگران ایرانی این موضوعات محسوب می‌شوند. «تپه‌های مارلیک» (۱۳۴۲) و «گنجینه گوهر» (۱۳۴۵) در کارنامه مستندسازی گلستان همیای شهرتش در داستان‌نویسی و سینمای داستانی نیستند. گرچه تأثیر فراتر از تهیه‌کنندگی در ساخت مستند مشهور فروغ فرخزاد «خانه‌سیاه‌است» (۱۳۴۲) برای او به‌نظر می‌رسد. سینمای مستند فارسی در گرایش به شاعرانگی در این فیلم به اوج خود می‌رسد. فیلمی که قرار بوده گزارشی سوزناک از زندگی سخت جوانیمان بابایی تریز باشد، به نمونه‌ای همیشه زنده از تمثیل، تلفیق و تصویر زیبایی در عین زشتی باشد. همان‌طور که صدای گلستان روی نوار صوتی فیلم هشدار می‌دهد: جهان، زشتی کم ندارد. زشتی‌های جهان کمتر می‌شد اگر آدمی چشم‌روی آن نمی‌بست، اما بشر چاره‌ساز است.

کارنامه سینمایی داستانی ابراهیم گلستان با ۴فیلم در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ بر سونشتی متغیر اما مشابه در دیده‌شدن برای او آبرویی به اندازه فیلم‌های مستند فراهم کرد. «خشت و آینه» (۱۳۴۴) یک هفته در سینما رادبوسیستی با کمترین مخاطب و تعدادی نقد اغلب منفی از منتقدان سرشناس به‌رغم تبلیغات متفاوتش در سال موفقیت تجاری بزرگ فیلم گنج قارون دستاوردی برایش نداشت. اما فیلم در طول بیش از نیوقرن توانست طرفداران و هوادوهایان بسیاری را برای خود دست و پا کند. این روزها در فضای سینه‌فیلی فارسی «خشت و آینه» طرفداران بی‌شماری دارد و به‌عنوان یک نمونه از درام‌های با رویکرد اجتماعی ایرانی در صدر بسیاری از فهرست‌ها قرار دارد.

در سال ۱۳۵۲ سازمان میزبی وزارت فرهنگ و هنر سا وزارت مهر داد پهلبد بدون توجه به رفاقت گرمابه و گلستانی کارگردان با نخست‌وزیر در توقیف فیلم «سراسر گنج دره جتی» تردید نکرد؛ فیلمی که به صراحتی کم‌سابقه در تمام ادوار فرهنگی ایران معاصر، سلطنت، شاه، دربار و برنامه‌های توسعه فرهنگی روزگار پهلوی دوم را به سخره گرفته بود. فیلم هجوهای روشن از زمامداران زمانه خود می‌ساخت و آنها را به باد سخت‌ترین انتقادات ممکن می‌گرفت. به‌نمایش درنیامدن فیلم محرز بود اما سندی از رودرویی گلستان با دستگاہ فرهنگی زمانه خود برای همیشه ساخت؛ سندی که با نوشتن داستان بلندش با همین‌نام روانه قفسه کتابخوان‌های فارسی‌زبان شد.

کارنامه سینمایی گلستان به ساختن فیلم مستند و داستانی تمام نمی‌شود. او سندی در راه‌اندازی کانون فیلم در تهران داشت و نسخه‌ای از چند فیلم مهم تاریخ سینما همچون مهر هفتم (۱۹۵۷) در داخل کشور به چاپ رسیده باشند و در یکی از ۴گروه بسا قرار گرفتند. نویسندگان، پژوهشگران، ویرایندگان و ناشران می‌توانند پس از تکمیل نسخه فیزیکی کاربرگ‌ی jal.ketab در نشانی: www.jal.ketab.com اقبال دست‌رسی است. ۴نسخه از آثار خود را تا پانزدهم مهرماه ۱۴۰۲ به دبیرخانه جایزه ادبی جلال احمدارسال کنند.

طرح همشهری ابراهیم مخبروی